

بررسی عوامل زمینه‌ای و مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی و تأثیر آنها بر ولایت‌پذیری

دکتر علی ربانی خراسگانی*، زینب شعبانی**
بهناز فیاض***

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۴/۱۸

چکیده

در این پژوهش، که به صورت کیفی و از طریق مصاحبه عمیق انجام شد، تأثیر جامعه‌پذیری بر ولایت‌پذیری افراد مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به جامعه آماری، که دانشجویان دانشگاه اصفهان هستند از روش نمونه‌گیری موردی نوعی استفاده شده است. با توجه به این نمونه‌گیری ۱۵ نفر از افراد دین داری که در بستر دانشگاه تاحدودی فعال سیاسی نیز هستند برای مصاحبه انتخاب شدند. از مهمترین ابزارهای در جامعه‌پذیری خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌های جمعی و همسالان هستند. اگر جامعه‌پذیری سیاسی از جانب این عوامل همپوشانی لازم را با یکدیگر داشته، و در راستای نظام ولایت فقیه باشد، می‌توان جامعه‌ای ولایت پذیر را ترسیم کرد؛ اما اگر این عوامل متناقض با یکدیگر و حتی متناقض با اصل نظام حرکت کنند، جامعه به سمت عدم پذیرش ولایت سوق داده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری سیاسی، ولایت‌پذیری

* - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، a.rabbani@ltr.ui.ac.ir

** - دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان (حقوق زن در اسلام)، دانشگاه اصفهان، دانشکده اهل‌البيت (ع)،

z.shabani1336@yahoo.com

*** - پژوهشگر علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، Bz_fayas@yahoo.com

مقدمه

اهمیت مباحث جامعه‌پذیری به این دلیل که به تحلیل رفتار سیاسی افراد و عوامل مؤثر بر آنها می‌پردازد در عرصه جامعه‌شناسی کم‌بدیل، و در واقع از همین رهگذر است که ریشه رویکردهای افراد نسبت به پدیده‌های سیاسی نظیر حکومت و احزاب و بازتاب متقابل آن بر اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب نهادهای جامعه‌پذیری اجتماع همانند خانواده، گروه همسالان، مدرسه و وسائل ارتباط جمعی و حکومت بررسی می‌شود، لذا روشهایی که جامعه از طریق آن ارزشها و هنجارهای سیاسی را به اعضای خود منتقل می‌کند، همواره مورد توجه جامعه‌شناسی قرار گرفته است؛ چرا که شخصیت انسانی از طریق کنش متقابل با دیگران ساخته می‌شود و از طریق این کنش، ما می‌آموزیم چگونه خود را با جامعه هماهنگ سازیم و زندگی خویش را قاعده مند کنیم. این فرایند اجتماعی شدن در فرهنگ و ساخت اجتماعی برای هر فرد و جامعه بویژه در جامعه دینی، حیاتی است؛ زیرا بدون اجتماعی شدن، ما نمی‌دانیم چه چیزی را ارزش بدانیم؛ چه کاری را انجام دهیم؛ چگونه فکر کنیم؛ چگونه سخن بگوییم و در مقابل دیگران چگونه پاسخ دهیم.

در جامعه ایران تاریخ و فرهنگ به نوعی با دین سرشته و مهمترین حوادث سیاسی و اجتماعی آن پیرامون مسائلی گذشته که مستقیم یا غیرمستقیم با دین یا شخصیت‌های دینی مرتبط بوده است.

آنچه از افراد جامعه دینی انتظار می‌رود این است که در روند جامعه‌پذیری خویش بتوانند افرادی کارآمد از لحاظ اعتقادی و سیاسی برای نظام جامعه خویش باشند و آنچه اسلام نیز بر آن تأکید کرده این است که این کارآمدی را در دو سطح نظر و عمل به مرتبه عالی برسانند.

به نظر می‌رسد ضرورت بررسی چنین موضوعی در مرتبه نخست این است که جامعه ایران علاوه بر اینکه جامعه‌ای دینی به‌شمار می‌رود، جامعه‌ای است که مبتنی بر اصل ولایت فقیه اداره می‌شود. به همین دلیل نیاز است افراد جامعه با آگاهی کامل از این امر مهم درمورد پذیرش آن تصمیم‌گیری کنند و در مراتب بعدی بتوانند در راستای پذیرش این اصل، حقوق و تکالیف اجتماعی و سیاسی خویش را بشناسند و به آن عمل کنند.

در واقع پذیرش این امر توسط مردم ایران خود را در جامعه‌پذیری سیاسی صحیح و شایسته‌ای نشان می‌دهد که مستلزم پذیرش دو بعد اعتقادی و عملی به اصل ولایت فقیه است.

سؤالات پژوهش

سؤالات مورد نظر پژوهشگران در این مطالعه عبارت است از:

- ولایت‌پذیری در مکتب اسلام به چه معناست؟
- ولایت‌پذیری در جامعه ایران تا چه حد از جامعه‌پذیری سیاسی تأثیر گرفته است؟
- آیا جامعه‌پذیری سیاسی در ایران توانسته است ولایت‌پذیری را رشد و توسعه دهد؟
- از چه ابزارها و روشهایی برای این منظور استفاده شده است؟
- ولایت‌پذیری در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و... چه تأثیراتی می‌تواند داشته باشد؟
- تأثیر یا عدم تأثیر این شاخص بر حوزه‌های مختلف حامل مزایای بیشتری است یا معایب بیشتری؟

پیشینه پژوهش

با در نظر گرفتن موضوع تحقیق، هیچ عنوان پژوهشی در ارتباط مستقیم با آن نیست اما می‌توان موضوع این تحقیق را در دو دسته از پژوهشها پیگیری کرد: ۱- تحقیقات مربوط به جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی ۲- تحقیقات مربوط به نظریه ولایت فقیه و ارتباط آن با نظام اجتماعی و سیاسی.

۱- پژوهشهای مربوط به جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی

علی اختر شهر (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی» که در سال ۱۳۸۸ هم توسط خود ایشان تکمیل، و به صورت کتاب چاپ شده است به دنبال اهدافی چون: ۱- مطالبه و تبیین ماهیت و نسبت فرد، جامعه و حکومت از نظر اسلام در فرایند اجتماعی شدن و کسب ارزشهای سیاسی (جامعه‌پذیری سیاسی) ۲- شناخت و ارائه بستر مناسب به منظور بهینه شدن جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی ۳- تحکیم، تقویت و بیان الگوی مبانی ارزشی اسلام در مورد جامعه‌پذیری سیاسی بوده است.

طبق نتایج این پژوهش مکاتب غربی در مورد جامعه‌پذیری سیاسی نقاط ضعفی دارند؛ از جمله اینکه بیش از اندازه بر اجتماعی شدن در دوره کودکی متمرکز، و از سایر دوره‌ها غافل

هستند. درمقابل آموزه‌های دین اسلام نشان داده است که جامعه‌پذیری سیاسی در جامعه دینی به فرایند مستمر و پویایی اطلاق می‌شود که جامعه و نظام سیاسی اسلام از طریق نهادها و عوامل جامعه‌پذیری سیاسی، گرایشها و نگرشها و هم‌چنین ارزشها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند.

۲- پژوهشهای مربوط به نظریه ولایت فقیه و ارتباط آن با نظام اجتماعی و سیاسی

غلام‌عباس رفیعی (۱۳۸۲) مقاله‌ای با عنوان «نظریه ولایت فقیه و نحوه تعامل آن با چالشهای نظری (سیاسی) در دهه سوم انقلاب» انجام داده است که ابتدا فضای دهه دوم انقلاب اسلامی در ابعاد واقعیت‌های محیطی و ارزشهای حاکم تا حد لازم مورد بازشناسی قرار گرفته و دگرگونی این ابعاد به همراه منابع آن معرفی شده است.

هدف این تحقیق بررسی چالشهای مربوط به وجود تناقض بین دموکراسی و ولایت فقیه بوده و هم‌چنین به پارادوکس مردم‌سالاری دینی نیز پاسخ گفته و بویژه به بررسی نقش مردم در نظریه ولایت فقیه پرداخته است.

مقاله دیگری از آقایان منصور بیرامی، حجت‌الاسلام اصغر نقدی و بهمن اسماعیلی انامق (۱۳۹۱) با عنوان «رابطه از خود بیگانگی و نگرش مذهبی با ولایت‌پذیری دانشجویان»، حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد دفاع شده در سال ۱۳۹۰ در دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز است. در این مقاله از جامعه پژوهش بر اساس جدول کرجی مورگان (۱۹۷۰) ۳۷۰ دانشجو به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. تحلیل داده‌ها در این مقاله نشان می‌دهد که ولایت‌پذیری با از خود بیگانگی و مؤلفه‌های آن رابطه منفی معنادار و با نگرش مذهبی رابطه مثبت معنادار دارد. رگرسیون هم‌زمان نشان داده است که متغیرهای روانشناختی به‌صورت ترکیبی ولایت‌پذیری را پیش‌بینی می‌کند. طبق نتایج پژوهش ولایت‌پذیری بر اساس ویژگیهای روانشناختی دانشجویان متغیر است. دانشجویان ولایت‌پذیر پایبند به ارزشهای اسلامی و دارای روحیه خودباوری هستند و از خودبیگانه نیستند.

در این پژوهش سعی بر این است تا در گام اول ارتباط دین (به شکل خاص دین اسلام) و

سیاست بروشنی بیان، و در گامهای بعدی به بررسی این مسئله پرداخته شود که جامعه‌پذیری سیاسی تا چه اندازه می‌تواند بر ولایت‌پذیری افراد تأثیر داشته باشد.

روش پژوهش

این مطالعه به روش کیفی و از زمره پژوهشهای زمینه‌ای است. تحقیق کیفی عموماً به هر نوع تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی به دست نیامده است. داده‌های این نوع تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه یا تعاملهای شفاهی گردآوری شده و بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در آن متمرکز است. این نوع پژوهش، اطلاعات خود را با ارجاع به عقاید، ارزشها و رفتارها در بستر اجتماعی دست نخورده به دست می‌آورد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۹۳). در این تحقیق کیفی از روش تحقیق زمینه‌ای یا بنیادین استفاده شده است. این روش‌شناسی در میان روشهای کیفی به‌عنوان یک گزینه تحقیقاتی مهم مطرح است. فرایند ساخت نظریه زمینه‌ای به‌گونه‌ای است که پژوهشگر هنگام پژوهش به جای تکیه بر یک یا چند سؤال پژوهشی خاص و از پیش طراحی شده که خود در قالب یک یا چند عبارت ارائه می‌شود، سؤالهای تحقیق را در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها طراحی می‌کند و سپس مسیر گردآوری داده‌های بعدی را براساس آنچه گلاس و اشتراس حساسیت نظری می‌خوانند، مشخص می‌سازد (فلیک، ۱۳۸۸: ۹۰).

مسئله این تحقیق به‌گونه‌ای است که نظریه یا تحقیقی در این ارتباط نیست. این مسئله ما را بر آن داشت تا از روش تحقیق زمینه‌ای استفاده کنیم. در پرداختن به مسئله ولایت‌پذیری همواره به ساختارهای کلان آن توجه شده و به کنشگران و زمینه‌های انتخاب و پذیرش آنها توجهی نشده است.

با توجه به جامعه آماری، که دانشجویان دانشگاه اصفهان هستند از روش نمونه‌گیری موردی نوعی استفاده شده است. با توجه به این نمونه‌گیری ۱۵ نفر از افراد دینداری که در بستر دانشگاه تاحدودی فعال سیاسی نیز هستند برای مصاحبه انتخاب شدند. بعد از مصاحبه، داده‌ها با دقت مکتوب شد و بعد از کد گذاری در مراحل مختلف مقوله‌های اصلی به دست آمد. در نهایت مقوله‌ها حول یک مقوله اصلی قرار گرفت و اکنون پارادایمی ارائه شد. مدل پارادایمی ترسیم شده

در این پژوهش می‌تواند مقوله‌های عمده را به یکدیگر ارتباط دهد و حول مقوله هسته تعریف شود.

جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی موضوعی مرتبط با «فرهنگ سیاسی و اجتماعی شدن» در علوم اجتماعی است. در واقع آنتونی اورم^۱ و کاردینر^۲ جامعه‌پذیری سیاسی را فرایند اکتسابی اعتقادات، ارزشها، گرایشها سیاسی در جامعه برای رسیدن به توافق جمعی دانسته‌اند که به شکل‌گیری هویت سیاسی برای ملت منجر خواهد شد. «جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که در زندگی روزانه اعضای جامعه در جریان است و به شکل خلاصه و مطابق با تعریف کنت لنگتن^۳ این عبارت از فرایند مستمر و بخشی از آن نظم اجتماعی است که آموزش و کسب رفتارهای سیاسی معینی برای اعضای جدید جامعه را بر عهده دارد تا این فرد را همگام با نظم سیاسی‌ای که در آن زندگی می‌کند به تفکر و اندیشه وادارد. در این معنا، جامعه‌پذیری سیاسی به افراد جامعه جهت‌های سیاسی و شیوه‌های خاص رفتار سیاسی را می‌آموزد» (شربتیان، بی تا، ۴۳).

جامعه‌پذیری از راه‌های گوناگونی انجام می‌شود. ولی معمولاً پژوهشگران به دو روش مهمتر اشاره می‌کنند که عبارت است از:

۱- روش آشکار یا مستقیم (Manifest)

۲- روش پنهان یا غیرمستقیم (Latent)

جامعه‌پذیری سیاسی آشکار، روشی است که در آن ارزشها و احساسات از نظام سیاسی به‌طور مستقیم و واضح در ذهن افراد قرار داده می‌شود. در این روش برای انتقال این ارزشها، ارتباطی آشکار بین ساختار سیاسی و افراد وجود دارد. آموزش رسمی در نهادهای آموزشی، سخنرانی و استفاده از وسائل ارتباط جمعی در مکانهای عمومی برای تبلیغ ثبات سیاسی، تغییرات سیاسی و غیره، نمونه‌ای از راه‌های معمول در جامعه‌پذیری سیاسی آشکار است.

1- A. Orum
2- Kardiner
3- K. Langton

جامعه‌پذیری پنهان یا غیرمستقیم، روشی است که با انتقال گرایشهای غیر سیاسی - که بر نقشها و واقعتهای مشابه سیاسی اثر می‌گذارد - انجام می‌شود. این روش معمولاً اثری عمیق و ریشه‌ای دارد، ولی کم و بیش به صورت خودکار انجام می‌گیرد (کمالی، ۱۳۷۴: ۴۵).

از مهمترین آثار جامعه‌پذیری سیاسی این است که در رفتارهای گوناگون سیاسی و اجتماعی اعم از رأی دادن، حمایت از احزاب سیاسی، شرکت در راهپیماییهای سیاسی، مبارزات انتخاباتی، تبلیغات سیاسی، شرکت در مجامع صنفی، مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و جز آن می‌توان آثار آن را مشاهده کرد؛ پس "جامعه‌پذیری سیاسی" مهمترین پیوندی است که میان نظام اجتماعی و نظام سیاسی وجود دارد. البته روند جامعه‌پذیری سیاسی با روالی آرام و هموار صورت می‌گیرد به طوری که حتی مردم از آن آگاهی نمی‌یابند؛ بلکه هنجارهایی را می‌گیرند که به آنها تلقین شده است. بنابراین جامعه‌پذیری سیاسی روندی آموزشی و پرورشی است که در جستجوی تلقین ارزشها، هنجارها و سمتگیریها در ذهن افراد است به گونه‌ای که آنها به نظام سیاسی خود اعتماد کنند (عالم، ۱۳۷۵: ۱۱۹؛ لوسین پای، ۱۹۶۲).

ولایت‌پذیری

اصطلاح ولایت‌پذیری از زوایای مختلفی نظیر کلامی، عرفانی و اندیشه سیاسی، قابل تحلیل و بررسی است. با مراجعه به آموزه‌های اسلامی می‌توان در تبیین معنا و مفهوم ولایت‌پذیری به صورت مختصر چنین گفت که ولایت‌پذیری اطاعت و مسئولیت‌پذیری همراه با شناخت و محبت نسبت به اولیای الهی است که تضمین‌کننده سعادت فردی و اجتماعی انسان در دنیا و آخرت است.

یکی از نشانه‌های ایمان تسلیم ولایت الهی است که آن نیز بدون ولایت‌پذیری از پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) ناتمام و بی‌فایده است. به اعتقاد تشیع، «ولایت کامل» چه به معنای سرپرستی کارهای دنیوی و اخروی و چه به معنای ولایت باطنی و تکوینی به خداوند متعال، رسول خدا (ص) و پیشوایان معصوم (ع) منحصر است که مرتبه اعلای ولایت و با عصمت و طهارت از هر گونه پلیدی و آلودگی همراه است و مراتب پایین‌تر آن، با مرتبه‌ای از طهارت ملازم است

که خداوند پیروان واقعی معصومان را نیز به مقاماتی نایل می‌گرداند که جانشین ولی و انسان کامل و خلیفه‌الله تلقی می‌شوند.

اهمیت ولایت و ضرورت پیروی از اولیای الهی، به دلیل همراهی و لزومی است که این پیروی در فرمانبرداری از پروردگار دارد؛ به عبارت دیگر، ولایت، منصبی است الهی و از سوی پروردگار به هر آن کس که خود صلاح و شایسته بدانند، عطا می‌فرماید؛ لذا اطاعت از ولایت، پیروی از خداست و نافرمانی از حجت الهی، نافرمانی از خداست.

ولایت در زمان رسول خدا با پیامبر و در زمان حضرت امام معصوم (ع) با ائمه و در زمان غیبت امام عصر (عج) با نایبان عام آن حضرت است که از سوی حجت الهی، حجت بر خلق باشند.

نتایج پژوهش

با توجه به اینکه فرایند نظریه‌سازی در روش نظریه‌زمینه‌ای با ارجاع به داده‌ها از طریق فرایندی دورانی است، پس از بررسی دقیق مصاحبه‌ها با استخراج پاسخ افراد به سؤالات و بویژه پاسخ آنها به سؤالاتی مهمتری که مفاهیم حساس تحقیق را در برداشت نتایج پژوهش به کمک مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و گزینشی بیان شده است.

جدول ۱. کدبندی متمرکز؛ محقق ساخته

توضیح	مفاهیم (کدبندی اولیه)	مقوله‌های عمده (کدبندی متمرکز)
رسانه‌های خارجی امروزه یکی از تأثیرگذارترین و اساسی‌ترین عوامل در شکل‌دهی به افکار و عقاید مردم ایران هستند و تأثیراتی عمیق در همه جنبه‌های زندگی اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اعتقادی و اخلاقی دارند.	<ol style="list-style-type: none"> ۱. تأثیرگذاری قوی به شیوه روان‌شناسانه ۲. استفاده از متخصصان در رسانه ۳. تخطئه ولایت فقیه در ماهواره ۴. ایجاد ولایت‌گریزی ۵. کارکرد غیراخلاقی در جامعه ۶. ایجاد ولایت‌ستیزی ۷. نسل جدید، مخاطب حداکثری ۸. جایگزینی رسانه به جای خانواده در جامعه‌پذیری ۹. تغییر الگوهای سبک زندگی ۱۰. ایجاد بی‌اعتنایی نسبت به ولایت فقیه ۱۱. شناخت خوب مخاطب 	تأثیر رسانه‌های خارجی

(۱۵۱مه) جدول ۱. کدبندی متمرکز، محقق ساخته

مقوله‌های عمده (کدبندی متمرکز)	مفاهیم (کدبندی اولیه)	توضیح
تأثیر رسانه‌های داخلی	۱. ضعف رسانه در ترویج اعتقادات ۲. عدم استفاده از متخصصان فرهنگی و فنی ۳. ضعف استدلال در مسائل اعتقادی ۴. سانسور خبری و ایجاد ناآگاهی ۵. عدم توانایی در تبیین جایگاه نظام	رسانه داخلی به دلیل محدودیت‌های خاص خود نسبت به رسانه خارجی تأثیرات کمتری دارد ولی در کل در ارتباط با فرهنگ‌سازی در ایران نقش تعیین‌کننده داشته است.
بلوغ سیاسی در جامعه	۱. گرفتن کد از سخنان ولی فقیه ۲. عمل به اعتقادات ۳. عدم تخطئه اعتقاد مخالف ۴. تفاوت سیاسی بودن و سیاسی کاری کردن ۵. ایجاد فرصت تفکر برای افراد ۶. داشتن بلوغ دینی ۷. داشتن رفتار سیاسی مناسب ۸. دوری از حب و بغض ۹. همه‌جانبه‌نگری ۱۰. عدم تأثیرپذیری از هیجانات اجتماعی ۱۱. داشتن شعور سیاسی ۱۲. قضاوت نسبت به حال افراد	موقعیتی که در آن افراد جامعه به مرحله‌ای از رشد از نظر فکری و استدلالی رسیده باشند و در ارتباط با مسائل سیاسی، چه در بعد عمل و چه در بعد نظر بدون سوگیری و حب و بغض فکر، و تصمیم‌گیری کنند.
عوام‌گرایی و سطحی‌نگری	۱. زود باوری و عدم تحقیق ۲. ارتباط دادن مسائل بی‌ربط به نظام ۳. برخورد سیاست زده با ولایت ۴. سنجش دین با معیار سیاست ۵. موضع‌گیریهای متعصبانه ۶. دینداری سطحی و قشری ۷. عدم واکنش شدن در دین ۸. قضاوت از روی اشخاص ۹. عدم خروجی به دلیل ولایت‌پذیری احساسی ۱۰. دینداری احساسی و هیجانی ۱۱. ولایت‌پذیری هیجانی و سطحی ۱۲. عدم توانایی در به روزرسانی دین	زمانی که در جامعه مردم بدون در نظر گرفتن معیار و ملاک حقیقت و با استفاده از شنیده‌های خود و دیده‌های سطحی و ظاهری قضاوت کنند در واقع تفکر اندیشه را به حاشیه رانده، و براساس احساسات و هیجانات زودگذر و کم عمق قضاوت کرده‌اند.
بلوغ اجتماعی در جامعه	۱. توانایی ارتباط با اکثریت افکار موافق و مخالف ۲. داشتن ولایت‌پذیری فردی و اجتماعی توأمان ۳. همه‌جانبه‌نگری	موقعیتی که در آن افراد جامعه به مرحله‌ای از رشد اجتماعی رسیده باشند و از سطحی‌نگری به دور باشند؛ هم چنین در برقراری ارتباط اجتماعی قوی باشند و از انزو دور باشند.

(۱۵۱مه) جدول ۱. کدبندی متمرکز، محقق ساخته

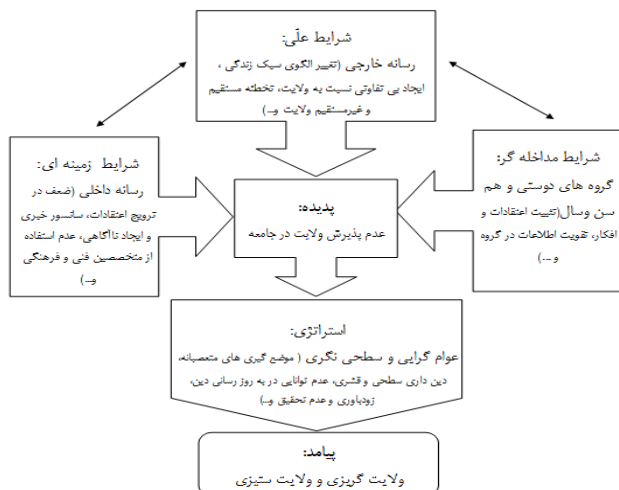
مقوله‌های عمده (کدبندی متمرکز)	مفاهیم (کدبندی اولیه)	توضیح
جامعه ولایتمدار	۱. پیروی از ولی فقیه ۲. رفتار ولایت‌پذیرها ۳. تبیین درست ولایت در جامعه ۴. وجود اسلام ناب در جامعه ۵. دارای روحیه جهادی ۶. کمرنگی نگاه معیشتی و اقتصادی ۷. جهل و غفلت حداقلی ۸. ولایت‌پذیری عقلی و نقلی ۹. داشتن نگاه آرمان‌گرایانه ۱۰. لزوم داشتن رهبر در جامعه	جامعه‌ای که در رأس کارها، در مرتبه عالی ائمه اطهار-علیهم‌السلام- و در زمان غیبت، ولی فقیه در رأس امور است و تمام جنبه‌های حیات اجتماعی اعم از فرهنگ، اقتصاد، سیاست، اخلاق و... را مدیریت می‌کند و مردم نیز آن را پذیرفته‌اند و در کارهای خود از او پیروی می‌کنند.
ولایت‌گزیزی و ولایت‌ستیزی	۱. تعصبات دینی و سیاسی نابه جا ۲. حب افراطی و عدم عقلانیت ۳. گرفتن خط‌مشی از رسانه خارجی ۴. رفتارهای نادرست ولایتی نماها ۵. بی‌اعتنایی قشر جوان ۶. کمرنگ شدن اعتقادات دینی ۷. سوء استفاده از ولایت ۸. داشتن علم و شیوه‌ستیزی	هرگاه در جامعه‌ای ولی فقیه حضور داشته باشد اما برای مردم قابل پذیرش نباشد و مردم از او پیروی نکنند، و حتی در مراتب بالاتر در راستای حذف او باشند ولایت‌گزیزی و ولایت‌ستیزی ایجاد شده است.
محیط آموزشی	۱. کند کردن روند سیاسی شدن ۲. ضعف عملکرد در آموزش ولایت	بستری است که به تربیت و آموزش می‌پردازد و نقش مهمی در روند تربیتی و آموزشی دارد.
عوامل ولایت‌پذیری	۱. پذیرش ولایت در پی پذیرش دین ۲. منشأ الهی ۳. بدیهی بودن ولایت در اسلام ۴. هنجار بودن ولایت در دین ۵. تبیین ثمرات ولایت	زمینه‌های فردی و اجتماعی که باعث می‌شود افراد در جامعه ولایت‌پذیر باشند.
حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی	۱. داشتن وظیفه در برابر نظام ۲. کارکرد بر و نمرزی راهپیمایی در ایران ۳. تجدید بیعت با ولی و نظام ۴. بصیرت سیاسی ۵. نجات کشور در مواقع بحرانی و حساس ۶. وجود پشتوانه مردمی نظام ۷. عدم رکود سیاسی ۸. حضور در نماز جمعه	حضور مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه و دلایل و زمینه‌های این حضور و تأثیر ولایت‌پذیری بر این حضور را بررسی می‌کند.

(۱۵۱مه) جدول ۱. کدبندی متمرکز، محقق ساخته

مقوله‌های عمده (کدبندی متمرکز)	مفاهیم (کدبندی اولیه)	توضیح
نقش خانواده	۱. کند یا تند کردن روند جامعه‌پذیری سیاسی ۲. نهادینه کردن روند ولایت‌پذیری فردی	اولین بستری که فرد در آن قرار می‌گیرد و اولین تجربه‌های آموزشی و تربیتی در آنجا اتفاق می‌افتد.
نقش گروه‌های دوستی و همسال	۱. تثبیت اعتقادات و افکار ۲. تقویت اطلاعات در گروه دوستی ۳. ایجاد قدرت بیان و اقتناع در جمع	بستری که به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین عوامل در جامعه‌پذیری سیاسی پذیرفته می‌شود و در آن افکار و اعتقادات افراد پیش از اینکه شکل بگیرد، تثبیت می‌شود.
وبژگی جامعه غیر ولایی	۱. اولویت دغدغه‌های معیشتی و اقتصادی ۲. وجود تصمیمات سلیقه‌ای به جای پیروی ۳. عدم تعریف صحیح دین و سیاست در جامعه ۴. عدم وحدت در پذیرفتن ولی	جامعه‌ای که در آن یک فرد یا تفکر در رأس کارها قرار ندارد و مردم از یک ولی پیروی نمی‌کنند و بیشتر امور براساس سلیق و علایق شخصی انجام می‌شود.

مدل پارادایمی

در این مرحله مقوله‌های عمده در غالب یک مدل زمینه‌ای حول مقوله هسته به یکدیگر ارتباط داده می‌شود. در واقع مدل به توصیف صوری مقوله و تحلیل و تبیین آن می‌پردازد. این فرایند را ترکیب مقوله‌ها می‌خوانند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۴۱).



مدل ۱. مدل پارادایمی عوامل عدم پذیرش ولایت در جامعه

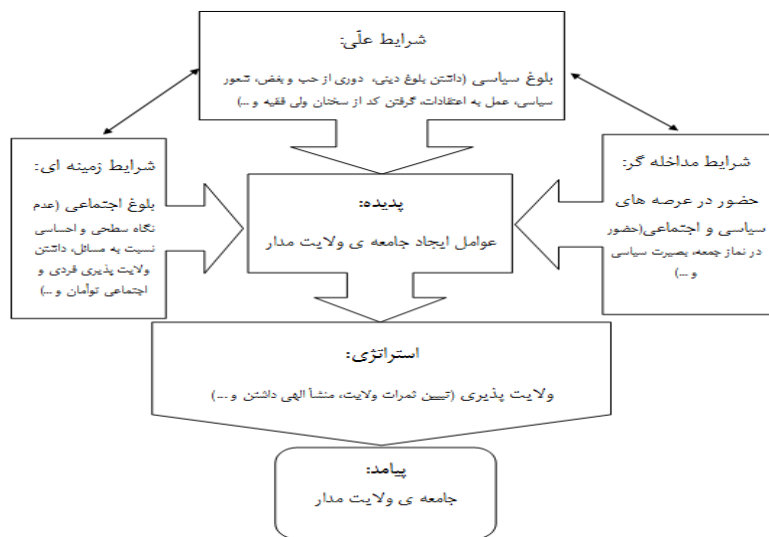
امروزه یکی از تأثیرگذارترین عوامل در جامعه‌پذیری افراد در بسیاری از جوامع، رسانه است. با توجه به مدل (۱) و مصاحبه‌های انجام شده آنچه بیش از سایر موارد در مورد رسانه مطرح شد این بود که امروزه بسیاری از خانواده‌ها به شکلی ناآگاهانه جامعه‌پذیری فرزندانشان را به رسانه سپرده‌اند و این مسئله، الگوهای تربیتی و اخلاقی در فرزندان را دچار دگرگونی کرده است. در این میان رسانه داخلی به دلیل نواقص زیادی که در ارائه محتوا دارد، نتوانسته به شکلی قوی و تأثیرگذار عمل کند و در واقع به جای ترویج فرهنگ غنی و پرمایه خود با تقلیدی ناشیانه از رسانه‌های غربی شدیداً در مسیری مخالف با ارزشها و الگوهای فرهنگ بومی عمل کرده است. رسانه داخلی به دلیل عدم استفاده از متخصصان در حوزه‌های فنی و فرهنگی از عهده مقابله پایاپای با رسانه‌های خارجی برنیامده و به دلیل برخی سانسورهای خبری و ضعف در ارائه خود نیز عاملی در ولایت‌گریزی و ولایت‌ستیزی شده است.

در کنار رسانه داخلی، رسانه خارجی نیز به دلیل تخصص در زمینه رسانه و مدیریت آن و شناخت مخاطبش، توانسته است تأثیرات عمیقی در جامعه ایران داشته باشد و با ایجاد هیجان‌ات زودگذر و هم‌چنین جایگزینی دغدغه‌های مادی و معیشتی به جای دغدغه‌های معنوی و اخلاقی باعث شده است نوعی سطحی‌نگری و عوام‌گرایی در جامعه ایجاد شود. در این بین نقش گروه‌های دوستی در تثبیت فعالیت رسانه‌ها بسیار حائز اهمیت است. در نهایت به دلیل اکتفا به ابزارهای محدود و سلیقه‌ای، جامعه دچار نوعی سطحی‌نگری شده است و اگر جامعه بر ولایت فقیه مبتنی باشد به دلیل قشری‌نگریهای ایجاد شده با نوعی عدم پذیرش از جانب مردم روبه‌رو می‌شود و نتیجتاً با جامعه‌ای ولایت‌گریز و ولایت‌ستیز روبه‌رو خواهیم شد.

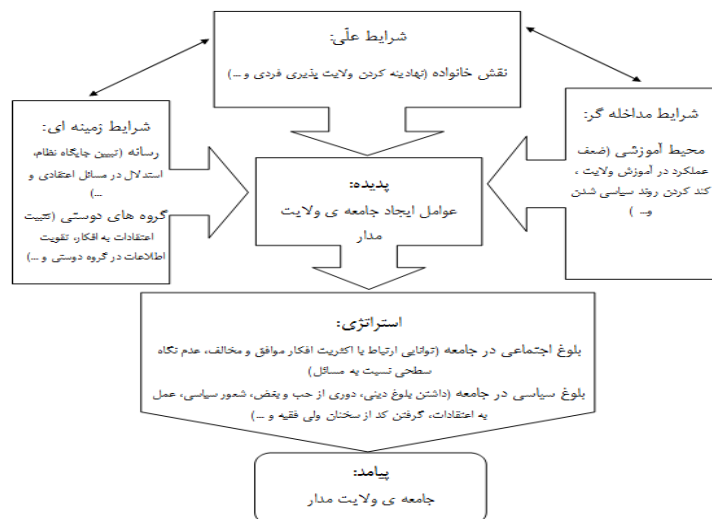
مدل (۲) نشان می‌دهد در جامعه ایران ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... به شدت به هم گره خورده و به یکدیگر است و به اقتضای وضع جامعه با تغییر هریک از آنها تغییراتی در دیگر ابعاد رخ خواهد داد. در این میان موقعیت سیاسی و اجتماعی بیش از دیگران یکدیگر تأثیر می‌پذیرد و به همین دلیل زمانی که جامعه از لحاظ سیاسی در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشد در پی آن از لحاظ اجتماعی نیز وضعیت مطلوبی خواهد داشت. در این صورت شکلی از بلوغ سیاسی و بلوغ اجتماعی در جامعه ایجاد می‌شود. در جامعه‌ای که افراد هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اجتماعی به بلوغ متناسب با وضعیت جامعه رسیده‌اند، سعی بر این است که این بلوغ

بررسی عوامل زمینه‌ای و مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی و تأثیر آنها بر ولایت‌پذیری

خود را در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی نیز به منصب ظهور برساند. اگر جامعه‌ای مانند ایران باشد و براساس ولایت فقیه مدیریت شود به دلیل رشد سیاسی و اجتماعی که در افراد ایجاد شده است، پذیرش ولایت در جامعه اتفاق می‌افتد و ولایت‌پذیری خود را در تمام عرصه‌ها نشان می‌دهد و چون افراد تابع ولایت هستند، ظهور و بروزشان در جامعه و در عرصه اجتماع خود را در مصداق‌هایی همچون شرکت در انتخابات، شرکت در راهپیمایی‌های مختلف، حضور در نماز جمعه، حمایت از احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و... نشان می‌دهد. اگر در این جامعه ابعاد مختلف ولایت‌پذیری هم چون منشأ الهی داشتن، بدیهی بودن ولایت در دین اسلام و حتی ثمرات ولایت‌پذیری بخوبی در جامعه تبیین شود به دلیل بلوغ این جامعه، افراد در تمامی ابعاد زندگی اعم از ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و... تابع ولی هستند و به همین دلیل جامعه کل ولایت‌مداری را تشکیل می‌دهد.



مدل ۲. مدل پارادایمی زمینه‌های ایجاد جامعه ولایت مدار



مدل ۳. مدل پارادایمی عوامل ایجاد جامعه ولایت‌مدار

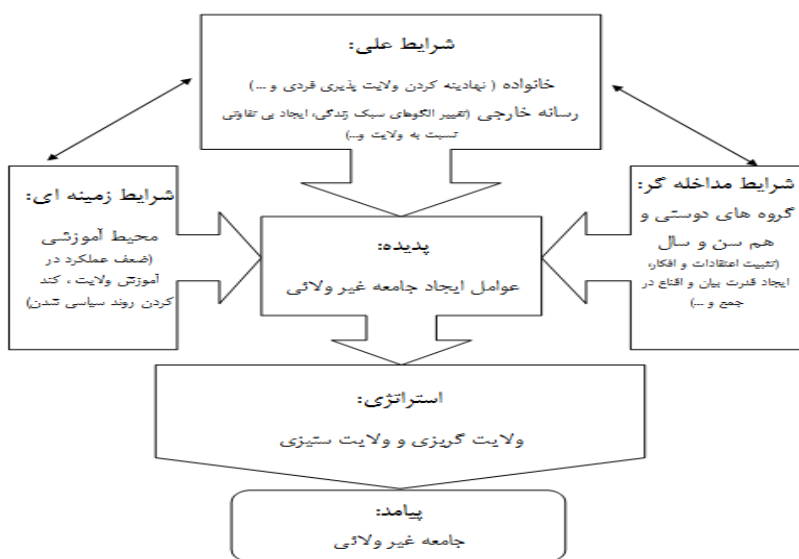
چند عامل تعیین‌کننده و اصلی در هر جامعه در راستای جامعه‌پذیری افراد وجود دارد که عبارت است از: ۱. خانواده ۲. محیط آموزشی ۳. رسانه ۴. گروه‌های دوستی و همسال که البته این تقسیم‌بندی می‌تواند در برخی جوامع به اقتضای ساختار اجتماعی و فرهنگی آنها متفاوت باشد. نمودار (۳) نیز عوامل مهم و تأثیرگذار را در جامعه‌پذیری نشان می‌دهد و جامعه‌ای را متصور است که مدیریت و رهبری آن بر اساس ولایت فقیه است. مدل (۴) نشان می‌دهد چهار عامل مهم در جامعه‌پذیری همچون خانواده، رسانه، محیط آموزشی و گروه‌های دوستی تأثیرات مهمی نیز در رابطه با ولایت‌پذیری در جامعه خواهند داشت. خانواده به‌عنوان اولین بستری که فرد در آن قرار می‌گیرد، مهمترین و اساسی‌ترین نقش را دارد. افراد آنچه را در خانواده می‌آموزند، درونی می‌کنند و این نهادینه شدن در آموزه‌های بعدی فرد تأثیر اساسی خواهد داشت. در این میان نقش رسانه و گروه‌های دوستی نیز بسیار حائز اهمیت است. این دو مؤلفه در تثبیت و تحکیم جامعه‌پذیری نقش اساسی ایفا می‌کنند. رسانه با به‌کارگیری متخصصان فنی و فرهنگی می‌تواند به ترویج اعتقادات بپردازد و جایگاه نظام را بدرستی تبیین کند. گروه‌های

بررسی عوامل زمینه‌ای و مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی و تأثیر آنها بر ولایت‌پذیری

دوستی نیز با تقویت اطلاعات دوستانشان و هم چنین ایجاد اعتماد به نفس در آنان می‌تواند آنها را در فن بیان و اقناع دیگر دوستانشان یاری رسانند.

در کنار این عوامل محیط آموزشی نیز سعی در تربیت و آموزش افراد دارد و با داشتن عملکرد قوی می‌تواند از کندگی و یا تندی نادرست جامعه‌پذیری جلوگیری کند.

اگر در جامعه، جامعه‌پذیری کامل و کم نقصی با توجه به ارزش‌ها و الگوهای فکری و عملی پذیرفته شده در جامعه اتفاق بیفتد، جامعه به نوعی بلوغ در تمامی عرصه‌ها دست یافته است. بلوغ اجتماعی و بلوغ سیاسی یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها است. در این صورت به دلیل روند همسویی که مؤلفه‌های جامعه‌پذیری داشته، و بلوغی که در جامعه ایجاد شده است، شاهد جامعه ولایت‌مدار خواهیم بود.



مدل ۴. مدل پارادایمی عوامل ایجاد جامعه غیر ولایتی

با توجه به آنچه در ارتباط با عوامل جامعه‌پذیری در مدل (۳) مطرح شد، می‌توان گفت این عوامل همان‌طور که می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای در بلوغ سیاسی و اجتماعی داشته باشد و جامعه را به سمت کمال و سعادت پیش ببرد، می‌تواند تأثیرات بالعکس تعیین‌کننده نیز داشته باشد.

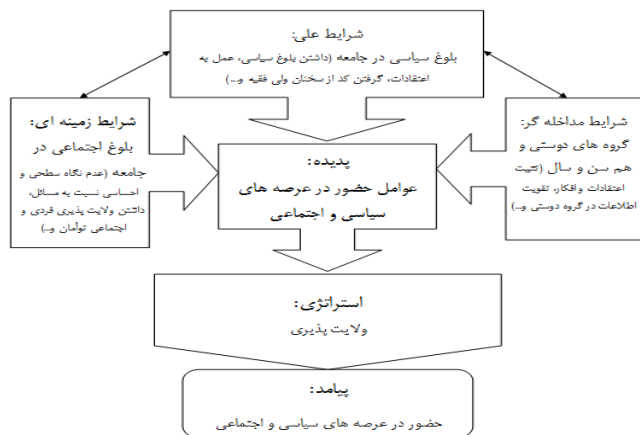
در مدل (۴)، چهار عامل خانواده، محیط آموزشی، رسانه، گروه‌های دوستی به دلیل تأثیراتی اساسی که در جامعه‌پذیری دارند با ترویج افکار و عقاید خود می‌توانند فکر و عمل افراد را در جامعه تابع خود سازند. خانواده به دلیل اینکه مهمترین نهاد است، می‌تواند تأثیر اصلی در کند شدن روند جامعه‌پذیری داشته باشد. رسانه نیز به دلیل اینکه در جامعه امروز جزء جداناپذیر زندگیا شده است به نرمی و ناآگاهانه در بیشتر مواقع نقش جامعه‌پذیری خانواده را ایفا می‌کند و به همین دلیل به‌عنوان علت اصلی در تأثیر گذاری مدنظر قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه امروزه رسانه خارجی (ماهواره) در بیشتر خانه‌ها حضوری چشمگیر دارد و بخوبی توانسته است بین خانواده‌های ایرانی جا باز کند، توانسته است با استفاده از روشهای روانشناسانه و هم‌چنین داشتن متخصصان قوی و با شناخت خوب مخاطب ایرانی، الگوهای سبک زندگی را تغییر دهد و هم‌چنین با تخطئه برخی مسائل اعتقادی هم‌چون ولایت نوعی بی‌اعتنایی نسبت به این مسئله را در جامعه ایجاد کند.

در این جامعه محیط آموزشی نیز به دلیل ضعف عملکرد در آموزش ولایت‌پذیری بستر را برای بی‌اعتنایی به این مسئله بیش از پیش مهیا می‌سازد. در کنار همه این عوامل، گروه‌های دوستی با تثبیت اعتقادات و افکار بخوبی زمینه‌های ولایت‌گریزی و ولایت‌ستیزی را در جامعه فراهم می‌سازند.

ولایت‌گریزی و ولایت‌ستیزی افراد، نمود خود را در کم‌رنگ شدن اعتقادات دینی در جامعه و بی‌اعتنایی بویژه در قشر جوان و نوجوان و گرفتن الگو و خط‌مشی از رسانه‌های خارجی نشان خواهد داد.

در چنین جامعه‌ای افراد از ولایت پیروی نمی‌کنند و از آن رویگردان و گریزان خواهند بود و در مراتب شدیدتر نوعی ستیزه خواهند کرد. نتیجه این وضعیت ایجاد جامعه‌ای غیرولایی خواهد بود.

بررسی عوامل زمینه‌ای و مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی و تأثیر آنها بر ولایت‌پذیری



مدل ۵. مدل پارادایمی عوامل حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی

هر جامعه‌ای که دارای رشد در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی باشد، باید بتواند این رشد خود را در عرصه‌های مختلف اجتماع نشان دهد. اگر در این جامعه اصل ولایت فقیه هم در رأس کارها باشد به دلیل بلوغ جامعه و پذیرش این امر توسط مردم آن جامعه، می‌توان گفت با جامعه‌ای ولایت‌پذیر روبه‌رو هستیم. در این جامعه افراد برای اینکه مشی سیاسی و اجتماعی خود را نشان دهند، سعی می‌کنند در عرصه‌های مهم اجتماعی و سیاسی حضوری حداکثری و پرشور داشته باشند که نشان از خط فکری آن جامعه دارد.

نمودار (۵) نشان می‌دهد اگر در جامعه‌ای بلوغ سیاسی باشد و افراد در بستر جامعه و در روند جامعه‌پذیری به حد قابل قبولی از بلوغ اجتماعی هم رسیده باشند، سعی می‌کنند این بلوغ را در عمل نیز محقق کنند. به دلیل اینکه در این جامعه ولایت فقیه در رأس قرار دارد، افراد سعی دارند ولایت‌پذیری خود را با توجه به بلوغ سیاسی و اجتماعیشان نشان دهند و راه‌حل آن حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. در جامعه ایران حضور افراد در عرصه‌هایی همچون انتخابات (در زمینه‌های مختلف)، راهپیمایی‌های سالانه و یا حتی راهپیمایی در مواقع خاص، شرکت در نماز جمعه و... نشان از جامعه‌ای ولایت‌پذیر در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی دارد.

در این میان گروه‌های دوستی به دلیل تأثیرات تثبیت‌کننده‌ای که دارند، می‌توانند حضور در این عرصه‌ها را قوت ببخشند.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه همه افراد در روند جامعه‌پذیری خود در بستر خانواده قرار گرفته بودند برای خانواده نقش کلیدی و اساسی در تأثیرگذاری در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، اعتقادی، فرهنگی و اخلاقی قائل بودند. در کنار این عامل رسانه‌ها، گروه دوستان و همسالان و هم‌چنین آموزش و پرورش هم در جامعه‌پذیری افراد نقش مهمی دارند.

بیشتر مصاحبه‌شوندگان، تأکید کردند که خانواده بیشترین نقش را در جامعه‌پذیری ایفا می‌کند. اکثراً معتقد بودند منشأ دینداری آنها خانواده بوده است اما به دلیل نوع دینداری سطحی و قشری خانواده، دینداری این افراد هم سطحی بوده است اما محیط آموزشی، گروه‌های دوستی و رسانه در تثبیت و تقویت آنچه در خانواده پذیرفته شده بود، نقش اساسی داشته است که به هریک از آنها پرداخته می‌شود.

رسانه یکی از مهمترین ابزارها در جهت جامعه‌پذیری افراد مطرح شده است. در اینجا منظور، هم رسانه داخلی و هم رسانه خارجی است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگانی که از طریق خانواده، ولایت‌پذیری را درونی کرده بودند، معتقد بودند رسانه داخلی می‌توانسته است بهترین ابزار برای توصیف و تبیین ولایت در جامعه‌ای باشد که طبق اصل ولایت فقیه اداره می‌شود؛ اما به دلیل ضعفهای متعدد هم در زمینه‌های فنی و هم در زمینه‌های محتوایی و فرهنگی، مسئولیتش را بخوبی انجام نداده و در تبیین جایگاه نظام ضعیف عمل کرده است. ضعف رسانه ایران در برابر خانواده‌هایی که از رسانه خارجی استفاده می‌کردند بیشتر نمایان بود. این افراد به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. افرادی که در خانواده‌های مذهبی، و ولایت‌پذیر نیز بوده‌اند.

۲. افرادی که در خانواده‌های مذهبی بوده ولی نسبت به ولایت بی‌اعتنا بوده‌اند.

دسته اول معتقدند رسانه خارجی به دلیل استفاده از متخصصان فن و شیوه‌های روان‌شناسانه، الگوهای سبک زندگی مخاطب ایرانی را تغییر داده است و سیاستهای مادی و اقتصادی خود را به

این مخاطبان القا کند. هم‌چنین این گروه بیشترین دلیل بی‌اعتنایی گروه دوم را هم ۱. رسانه داخلی و ۲. گروه‌های دوستی دانسته‌اند.

در این وضعیت گروه اول، که افراد مذهبی و ولایت‌پذیر هستند، با نگاهی نقادانه نسبت به هردو رسانه، آنها را دنبال می‌کنند و به همین دلیل تأثیرپذیری کمتری از این ابزار دارند اما گروه دوم به دلیل بی‌اعتنایی، گاهی تحت تأثیر کارکردهای غیر اخلاقی و مغایر با ارزشهای دینی قرار می‌گیرد و حتی سبک زندگی خود را نیز مطابق آنچه رسانه خارجی ارائه می‌کند، می‌سازند. به گفته خود این افراد گروه‌های دوستی نیز تأثیر زیادی بر تثبیت بی‌اعتنایی آنها داشته‌اند. مدل (۱) بخوبی نشانگر این مسئله است.

مدل (۲) نیز مذهب‌های ولایت‌پذیری را نشان می‌دهد که سعی داشتند کمتر تحت تأثیر رسانه‌ها قرار گیرند و برخورد سیاست‌زده‌ای با مسئله ولایت نداشته باشند و دینداری خود را با مطالعه و تحقیق همراه کنند و در سطح آنچه از خانواده گرفته‌اند، باقی نمانند و به مسئله ولایت نگاهی احساسی و هیجانی نداشته باشند. نتیجه این نوع نگاه در جامعه ایجاد نوعی بلوغ اجتماعی و سیاسی است که جامعه را به سمت ولایت‌پذیری، نه از نوع احساسی و هیجانی آن بلکه از نوع استدلالی و منطقی پیش خواهد برد.

مقایسه مدل‌های ۳ و ۴ نشان می‌دهد که ۴ ویژگی خانواده، محیط آموزشی، رسانه و گروه‌های دوستی در ایجاد جامعه‌ای ولایت‌مدار و بالعکس، جامعه‌ای غیرولایتی تأثیرگذار هستند. نکته جالب توجه در مصاحبه‌ها، اشاره تمامی افراد به ضعف آموزش و محیط آموزشی در ایران در باب ولایت بوده است. در این مورد بیشتر افراد به دو نکته اشاره کردند: ۱. اینکه محیط آموزشی خود را از سیاست جدا می‌بیند و روند سیاسی شدن را در پرورش افراد کند می‌کند.

۲. با توجه به اینکه نظام حاکم بر اساس اصل ولایت فقیه است، محیط آموزشی در آموزش و تبیین مسئله ولایت‌پذیری بسیار ضعیف عمل کرده است.

با توجه به مقایسه این دو جامعه و مصاحبه‌ها، جامعه‌ای ولایت‌پذیر است که افرادش تابع ولی فقیه باشند؛ دغدغه‌های معیشتی و اقتصادی در اولویت آنها نباشد و پذیرش ولایت در جامعه با توجه به عقل و منطق صورت گیرد نه بر اساس احساس و هیجانات زودگذر. در این جامعه افراد

سعی دارند ولایت‌پذیری خود را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نظیر شرکت در انتخابات، شرکت در راهپیماییها و... نشان دهند و بصیرت سیاسی خود را نیز ثابت کنند. مدل (۵)، بلوغ سیاسی و بلوغ اجتماعی آنها در عمل را نشان می‌دهد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار بر جامعه‌پذیری می‌توانند تأثیر اساسی در تند شدن یا کند شدن و حتی ضعف و قوت جامعه‌پذیری سیاسی افراد داشته باشند. اگر این جامعه‌پذیری سیاسی از جانب این عوامل همپوشانی لازم را با یکدیگر داشته، و در راستای نظام ولایت فقیه باشد، می‌توان جامعه‌ای ولایت‌پذیر را ترسیم کرد. اما اگر این عوامل متناقض با یکدیگر و حتی متناقض با اصل نظام حرکت کنند، جامعه به سمت عدم پذیرش ولایت سوق داده می‌شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اخترشهر، علی (۱۳۸۵). مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). مبانی پارادایمی روشهای تحقیق کیفی و کمی در علوم انسانی. چ ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. بیرامی، منصور نقدی، اصغر و اسماعیلی انامق، (۱۳۹۱). رابطه از خود بیگانگی و نگرش مذهبی با ولایت‌پذیری دانشجویان. دوفصلنامه علمی- پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. س دوم، ش ۵. بهمن. ص ۱۱۹ تا ۱۳۸.
۶. جمعی از نویسندگان مؤسسه اندیشه سبز تقلین (۱۳۹۰). سروش بیداری (بررسی شبهات ولایت فقیه و ولایت‌پذیری). تصحیح و ویرایش: محمد اکبری. قم: انتشارات امام عصر (عج).
۷. حائری، سید کاظم (۱۳۶۴). بنیان حکومت در اسلام. چ ۱. اداره کل انتشارات و تبلیغات.
۸. روح الامینی، محمود (۱۳۶۷). زمینه فرهنگ شناسی. تهران: انتشارات عطار.
۹. رفیعی، غلام‌عباس (۱۳۸۲). نظریه ولایت فقیه و نحوه تعامل آن با چالش‌های نظری (سیاسی) در دهه سوم انقلاب. مقاله.
۱۰. سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کجروی. چ ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. شربتیان، محمدحسن (بی‌تا). جامعه‌پذیری سیاسی و نظام جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. شرف‌الدین، سید حسین (بی‌تا). جامعه‌پذیری سیاسی و تربیت سیاسی.
۱۳. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۸). بنیادهای حکومت در اسلام. چ ۲۰. تهران: نشر نی.
۱۴. علویان، مرتضی (۱۳۸۳). روحانیت و جامعه‌پذیری سیاسی. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۵. فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. چ ۲. تهران: نشر نی.
۱۶. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳). توسعه سیاسی و تحول اداری. چ ۲. تهران: نشر قومس.
۱۷. کمالی، علی اکبر (۱۳۷۴). بررسی مفهوم جامعه‌پذیری. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۸. محمدپور، احمد (۱۳۸۹). ضد روش؛ منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی. ج ۱. تهران: جامعه‌شناسان.
۱۹. محمدپور، احمد (۱۳۹۰). ضد روش؛ روش تحقیق کیفی (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی). ج ۲. تهران: جامعه‌شناسان.